

تحلیل سلسله مراتب شهری و متعادل سازی توزیع فضایی جمعیت کانون‌های شهری استان گیلان

عیسی پوررمضان^۱ - استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
ابراهیم درویش رحیم‌آبادی - کارشناسی ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

چکیده

سلسله مراتب شهری از نظر کمی بهترین شکل سازماندهی فضا است. زیرا باعث توزیع فعالیت‌ها و خدمات در سطح جامعه، طبقه‌بندی متعادل، عملکردها و پیدایش روش‌های مختلف زندگی در محیط‌های گوناگون جغرافیایی می‌شود. نظام توزیع جمعیت در استان گیلان متعادل نیست و شکل اسکان و استقرار جمعیت و شهرها تصویر مناسبی را بدست نمی‌دهد. هدف پژوهش حاضر تحلیل نظام سلسله مراتب شهرهای استان گیلان به منظور متعادل سازی توزیع فضایی می‌باشد. روش تحقیق به کار رفته توصیفی - تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای بوده است. با مطالعه سلسله مراتب شهری استان گیلان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ مشخص گردید که شهر رشت به عنوان مرکز استان گیلان و کلان شهر ناحیه‌ای با داشتن ۴۲/۴۱ درصد از جمعیت شهری استان در سال ۱۳۹۵ در قالب نخست شهر نقش غالب خود را نشان داده و در حال حاضر همه شاخص‌های: جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... به سود این شهر و به زیان کانون‌های زیستی کوچک آن است. ضمن این که تمرکز جمعیت در آن مشکلات فراوان اجتماعی و فرهنگی از قبیل: مشکل مسکن، گرانی زمین، اجاره خانه، ازدحام ترافیک، نارسایی در خدمات و بالاخره طیف گسترده‌ای از آلودگی‌های زیست محیطی را به دنبال داشته است. این شهر به لحاظ داشتن زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مناسب، مهاجرین مختلف را از مناطق پیرامونی خود جذب کرده و سلسله مراتب شهری استان را از قانون مرتبه - اندازه دور کرده است؛ به نحوی که در سال ۱۳۵۵ جمعیت اولین شهر (رشت) ۳/۴۱ برابر دومین شهر (انزلی) بوده است. در سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر رشت ۵/۷۳ برابر جمعیت شهر دوم (انزلی) است. با مشخص شدن تغییرات جمعیت و رتبه شهرهای استان در سال‌های گذشته و اثرات آن بر نظام نامتعادل توسعه مراکز شهری، تمرکزگرایی و تسلط تک شهری در نظام شهری استان لازم است تا تدابیری به منظور ساماندهی فضایی مراکز شهری و توزیع متعادل جغرافیایی جمعیت متناسب با امکانات و محدودیت‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه و با توجه به سیاست‌های آمایش سرزمین و اصلاح توسعه فضایی کانون‌های شهری آن صورت گیرد. تمرکزگرایی از شهر و منطقه رشت و توجه به شهرهای کوچک و متوسط استان از مهمترین رهیافت‌های این پژوهش است.

واژگان کلیدی: نظام شهری، توزیع فضایی جمعیت، سلسله مراتب شهری، متعادل سازی جمعیت، استان گیلان

نحوه استناد به مقاله:

پوررمضان، عیسی، درویش رحیم‌آبادی، ابراهیم. (۱۳۹۶). تحلیل سلسله مراتب شهری و متعادل سازی توزیع فضایی جمعیت کانون‌های شهری استان گیلان. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۲(۴)، ۸۷۵-۸۹۳.

http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_538154.html

مقدمه

جمعیت شهرها (اندازه شهرها) به طور گسترده بین سکونتگاه‌های گوناگون با اندازه‌ها و الگوهای متفاوتی در مناطق مختلف توزیع شده‌اند. این الگوهای کاملاً متفاوت بیشتر روشنگر مناطقی است که رشد شهرها در آن به طور بی برنامه و با سیاست‌های نابرابر اتفاق می‌افتد. طی این روند معمولاً بزرگترین شهرها، سریع‌ترین نرخ‌های رشد را پیدا می‌کنند که این موجب بروز تسلط جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک شهر بر تمامی شهرهای دیگر در داخل نظام شهری یک کشور یا منطقه می‌گردد (Taghvaei, 2009: 26). با توجه به اینکه نابرابری در اندازه جمعیتی، زمینه ساز نابرابری در سایر بخش‌ها می‌شود و به دنبال آن مسائل و مشکلات عدیده‌ای در سکونتگاه‌های شهری و غیر شهری به وجود می‌آید، بسیاری از دانشمندان در دوره‌های مختلف، ابعاد متفاوت نظام شهری و چگونگی توزیع جمعیت در نظام شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی به تبیین نظام شهری پرداخته و عده‌ای نیز با ارائه مدل‌هایی سعی در شناخت میزان تعادل و شناخت چگونگی نظام شهری داشته‌اند، برخی دیگر نیز راهکارهایی را در زمینه بهبود و افزایش میزان تعادل آن ارائه کرده‌اند (Farhodi et al, 2009: 56). در ایران از نیم قرن اخیر، تداوم روند رو به رشد شهرنشینی همرا با مهاجرت‌های نارس و مسأله بر انگیز از روستاها به نقاط شهری، از نقاط شهری کوچک به نقاط شهری بزرگ و نیز تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری (Molaei Hashjin & Pourramzan, 2011: 61) و نیز توسعه سرمایه‌داری در چارچوب اقتصادمتکی به نفت، سبب رکود بخش کشاورزی، رشد سریع شهرها و عدم تعادل در توزیع فضایی و سلسله مراتب ناحیه‌ای شده است. این گسیختگی و عدم تعادل در سلسله مراتب شهری سبب پیدایش شبکه زنجیره‌ای در توزیع فضایی کشور و از بین رفتن شبکه کهکشانی گردید. نتیجه این روند پیدایش پدیده نخست شهری در نظام شهری ایران است (Nazarian, 2000: 151).

روند رو به رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر همگام با مهاجرت‌های شدید روستا - شهر هم زمان با سیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از مهم‌ترین عوامل ایجاد الگوی نامتوازن نظام شهری استان گیلان است. گرایش به شهرنشینی در استان گیلان از روند حاکم بر کل کشور تبعیت می‌کند و در طی دهه‌های اخیر همواره دارای روند صعودی است. به طوری که در سال ۱۳۴۵ تنها ۲۴/۹ درصد از جمعیت استان در شهرها سکونت داشته‌اند ولی طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ معادل ۵۳/۹ درصد در نقاط شهری ساکن بوده‌اند. به نظر می‌رسد استان گیلان در حال حاضر با داشتن ۵۱ شهر طی چندین دهه آینده نیز همچنان شاهد رشد سهم جمعیت شهرنشین باشد. در بین شهرهای استان گیلان، جاذبه‌های فرهنگی و تفریحی، موقعیت مناسب اقتصادی، سیاسی و تاریخی شهر رشت موجب جذب جمعیت نواحی اطراف به این شهر به عنوان مرکز استان یا مادر شهر منطقه‌ای شده است. در واقع شهر رشت در منطقه گیلان بعنوان یک شهر مسلط، عمل می‌نماید. بر این اساس از آنجا که هدف از هر گونه برنامه‌ریزی منطقه‌ای رسیدن به توسعه متعادل می‌باشد لذا مقاله حاضر در نظر دارد که تا با استفاده از مدل‌های حداختلاف طبقه‌ای، الگوی نخست شهری و شاخص چهار شهر به ارزیابی سلسله مراتب شهرهای استان گیلان، بر اساس آمار جمعیتی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۶۵ مبادرت ورزد. که تا نتایج حاصله از این مطالعه بتواند پایه ای برای انجام تصمیم‌گیری‌ها و ارائه راهکارها و برنامه‌ها جهت متوازن و متعادل سازی توزیع جمعیت در کانون‌های شهری استان گیلان گردد.

سلسله مراتب شهری بهترین شکل سازماندهی فضا است. وجود سلسله مراتب شهری منظم سبب توزیع کالاها و خدمات به تمام جامعه و توزیع متعادل امکانات و خدمات‌رسانی به تمامی بخش‌های یک منطقه می‌شود (Abdin Darkosh, 2002: 86). به عبارت دیگر سلسله مراتب شهری، طبقه بندی شهرهای شبکه بر حسب اهمیت آنهاست. این طبقه بندی بایستی بر داده‌های کمی و یا بر عوامل کیفی متکی باشد. پیرزورژ^۱ عقیده دارد سلسله مراتبی که مبتنی بر شماره ساکنان شهر و یا منطقه شهری ترسیم شود، نمی‌تواند سیمای کاملاً روشنی از سلسله مراتب شهری را به دست دهد، بر این مبنا توصیه می‌کند که سلسله مراتب شهری را به اتکای ماهیت عملکرد شهرها باید مشخص کرد و در این رابطه شهرهایی از اعتبار بیشتری برخوردارند که قدرت فرماندهی و راهبرد امور اداری، خدمات عمومی، بانکی و اداره مؤسسات مهم آموزش و آماده ساختن کادر متخصص و مدیریت بالا و انجام تحقیقات علمی، تکنیکی و خدمات و بازرگانی نادر را به عهده دارد (Farid, 1996: 290).

پیشگامان بررسی جغرافیایی سلسله مراتب شهری در قرن بیستم افرادی همچون: اوئر باخ^۱ (۱۹۱۳)، لوتکا^۲ (۱۹۲۴)، گودریچ^۳ (۱۹۲۶)، کریستالر^۴ (۱۹۳۳)، سینگر^۵ (۱۹۳۶)، مارک جفرسون^۶ (۱۹۳۹) و جورج زیپف^۷ (۱۹۴۹) بودند که بعدها در تألیفات علمی و تخصصی جغرافیدانان شهری دیگری مانند: مهتا^۸ (۱۹۶۴)، لینسکی^۹ (۱۹۶۹)، کینگ و گالچ^{۱۰} (۱۹۷۸)، کلارک^{۱۱} (۱۹۸۸)، گینزبرگ^{۱۲} (۱۹۹۵) و ریچاردسون^{۱۳} (۲۰۰۲) اشاره شد. اوئر باخ یکی از اولین دانشمندانی بود که توانست در سال ۱۹۱۳ برای توزیع اندازه‌های سکونتگاه‌ها قانون مرتبه - اندازه شهری را مطرح کند. فرموله کردن قانون مرتبه - اندازه توسط جورج زیپف در سال ۱۹۴۹ صورت گرفت (بهفروز، ۱۳۷۱، ۵۸). در نظریه وی شهرهای درجه دوم حدود یک دوم شهر اول و شهرهای درجه سوم حدود یک سوم شهر اول و شهرهای درجه N حدود یک N شهر اول است. او معتقد بود وجود همبستگی بین جمعیت شهرها و مرتبه آنها به صورت خط مستقیم با همبستگی خطی مطرح است. بنابراین هر اندازه سیستم شهری یک کشور توسعه پیدا کند به الگوی توزیع نرمال نزدیک می‌شود (Clark, 2000: 26).

والتر کریستالر در تدوین تئوری مکان مرکزی، در سال ۱۹۳۳ از طرح توزیع فضایی سکونتگاه‌های جنوب آلمان الگوبرداری نمود و آن را در چارچوب تئوریک خود مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. اساس نظریه وی بر این مبناست که توزیع مکان مرکزی در فضای ناحیه‌ای به گونه‌ای است که هر مکان مرکزی در مرتبه خاص خود کالا و خدمات مکان مرکزی فرودست خود را عرضه می‌کند در واقع مدل اصلی کریستالر متکی به اصل بازاریابی است که نتیجه آن پدید آمدن روابط متقابل سلسله مراتب بین مکان‌های مرکزی است (Azimi, 2002: 72). از دیدگاه جغرافیایی مرکز یا قانون سکونتگاهی شهری نسبت به سایر سکونتگاه‌های موجود در اطراف خود دارای موقعیت نسبی خاصی می‌باشد، این موقعیت، نظام فضایی و پراکنندگی آن‌ها را در ناحیه مورد مطالعه منعکس می‌نماید. در توجیه پراکنندگی نظام فضایی شهرهای یک ناحیه جغرافیایی، در یک کشور و یا در دنیا از مدل‌های جغرافیایی نظیر: تئوری مکان مرکزی، الگوی نخست شهری و قانون مرتبه - اندازه می‌توان استفاده نمود (Behforoz, 1995: 315). مارک جفرسون جغرافیدان آمریکایی در سال ۱۹۳۹ در مقاله‌ای عنوان "نخست شهر" را مطرح کرد وی برای توضیح پدیده شهرهای بسیار بزرگی که بخش عمده‌ای از جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی کشورها در آن‌ها متمرکز شده است و غالباً پایتخت این کشورها بوده‌اند، این گونه شهرها را نخست شهر و پدیده را نخست شهری نامید. او مدعی شد که اغلب کشورهای درحال توسعه و برخی از کشورهای توسعه یافته دارای نظام نخست شهری هستند. جفرسون برای تعیین نخست شهر در ۴۴ کشور پیشرفته جهان از روش نسبی استفاده کرد که محاسبه در آن براساس نسبت شهر نخست به شهر دوم انجام می‌گرفت. به نظر وی شهرهای پرجمعیت نظام شهری غالباً با هیچ مدلی سازگار نیستند و معمولاً اندازه جمعیت شهر اول تا هشتم کشور بیشتر از مقدار مورد انتظار است (Farhodi et al, 2009: 57). لینسکی در تحقیق خود در مورد نخست شهرها از ۳۹ کشور جهان نسبت به میزان نخست شهری در نواحی متروپل این کشورها را بر اساس آمار سال ۱۹۵۵ محاسبه کرد. روش وی عبارت از تقسیم نمودن جمعیت اولین شهر به دومین شهر هر کشور بود. بالاترین نسبت در مورد ویتنام با اندازه ۱۶/۳ و پایین ترین نسبت معادل ۱ در مورد کشور کانادا بود (Linsky, 1969: 293). این ارقام نشان می‌دهند که چه شاخص نسبت جمعیت بزرگتر باشد میزان نخست شهری در آن کشور بالاتر است و برعکس پایین بودن این شاخص نماینده پایین بودن و یا عدم وجود الگوی نخست شهری و در آن کشور است (Behforoz, 1992: 315). کینگ و گالچ روند متمرکز شدن جمعیت در تجمعات خیلی بزرگ شهری را افزایش ماهیت نخست شهری در ساختار آن کشور می‌دانند و در توجیه آن با استفاده از نموداری اظهار می‌دارند که وجود یک فاصله بزرگ ترین شهر (رتبه اول) و دومین شهر (رتبه دوم) منعکس کننده الگوی نخست شهری در آن کشور است (King & Golledge, 1978: 37-42). به عقیده کلارک "نخست شهر" در مرتبه بندی اندازه‌های جمعیتی شهرهای یک کشور در ردیف اول قرار دارد و تفاوت جمعیت آن با دومین شهر در حد زیادی بالا است (Clark,)

1. Auerbach
2. Lotka
3. Goodrich
4. Christaller
5. Singer
6. Jefferson
7. Zipf
8. Mehta
9. Linsky
10. King & Galledge
11. Clark
12. Ginzberg
13. Recharldson

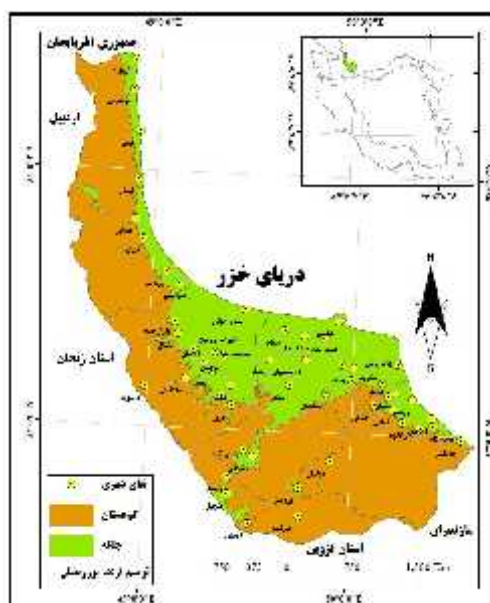
494: 1988). بوژوگاریه با گرایشی که به سوی مکتب جغرافیایی انگلوساکسون دارد، در ارزیابی سلسله مراتب شهری بر ماهیت تجهیزات و وسعت فضای جاذبه شهری تأکید دارد. (Shakoei, 2006: 489). گینزبرگ پیشنهاد کرد بهتر است به جای دو شهر، چهار شهر اول نظام شهری برای محاسبه میزان نخست شهری انتخاب شود. از همین رو اصطلاح "شاخص چهار شهر" را مطرح کرد، که منظور از آن نسبت جمعیت شهر اول به مجموع جمعیت شهرهای رتبه دوم، سوم، و چهارم است. و در نهایت مهتا، بهترین روش برای تشخیص نخست شهر را سنجش اندازه شهر نخست به چهار شهر اول نظام شهری دانست (Farhodi et al, 2009). (58) ریچاردسون با تطبیق شاخص چهار شهر با قاعده رتبه اندازه، نسبت مطلوب شهر اول به مجموع چهار شهر نخست شهری را ۰/۴۸ دانست و به عقیده او این توزیع بهترین شکل برتری خواهد بود (Azimi, 2002: 67).

روش پژوهش

با توجه به موضوع تحقیق و تعریف سلسله مراتب شهری (بر مبنای مؤلفه جمعیتی)، روش پژوهش در این مقاله کمی-تحلیلی است. برای تعیین سلسله مراتب شهری براساس متغیر جمعیتی از مدل‌های مختلفی مانند: مدل حل اختلاف طبقه‌ای، قانون مرتبه-اندازه، منحنی لورنز، ضریب تراکمی جینی، الگوی نخست شهری و مدل چهار شهر می‌توان استفاده نمود. در این تحقیق با مراجعه به نتایج سرشماری‌های جمعیتی انجام شده طی سال‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۹۵، آمارهای مورد نیاز استخراج و سپس با بهره‌گیری از مدل‌های مدل حل اختلاف طبقه‌ای، نخست شهری و شاخص چهار شهر، سلسله مراتب شهری استان گیلان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به اینکه در بخش‌هایی از این تحقیق از نقشه، نمودار و جدول استفاده شده است، جهت تدوین و ویرایش این موارد، نرم افزارهای Excel و GIS به کار رفته است.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه این پژوهش استان گیلان می‌باشد. استان گیلان با مساحت ۱۴۰۴۴ کیلومتر مربع مساحت در ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار قرار گرفته است. استان گیلان بر اساس آخرین تقسیمات اداری - سیاسی دارای ۱۶ شهرستان، ۴۳ بخش، ۵۲ شهر، ۱۰۴ دهستان و ۲۵۸۳ آبادی دارای سکنه ۳۳۲ آبادی خالی سکنه می‌باشد (Management and planning organization of guilan, 2016).



شکل ۱. پراکندگی نقاط شهری استان گیلان

یافته‌ها و بحث

روند تحولات جمعیت شهری استان گیلان

بررسی روند تحولات اسکان جمعیتی استان، نمایانگر کاهش سهم جمعیت روستایی و افزایش نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت استان است. برای روشن شدن این مساله تغییرات کل جمعیت، جمعیت شهری و جمعیت روستایی استان طی دوره سی ساله ۹۵-۱۳۵۵ مورد بررسی قرار گرفته است. جمعیت استان گیلان در سال ۱۳۵۵ معادل ۱/۵۸۲/۰۰۰ نفر بود که با نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۸ درصد به ۲/۰۸۱/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافت. در سال ۱۳۷۵ این میزان به ۲/۲۴۲/۰۰۰ نفر رسید که بیانگر نرخ رشد سالانه ۰/۷۵ درصد بود و در سال ۱۳۸۵ جمعیت استان به ۲/۴۰۵/۰۰۰ نفر افزایش یافت که نشانگر نرخ رشد سالانه به میزان ۰/۷۱ است و در سال ۱۳۹۰ به ۲۴۸۰۸۷۴ رسید که نشانگر نرخ رشد سالانه به میزان ۰/۶۲ است. این تغییرات نرخ رشد سالانه بیانگر این موضوع است که جمعیت استان پس از پشت سر گذاشتن یک آهنگ رشد سریع در دوره زمانی ۶۵-۱۳۵۵ به یک حالت تثبیت شده در دو دهه اخیر رسیده است. به طور کلی افزایش جمعیت استان گیلان در دوره سی ساله ۹۰-۱۳۵۵ با نرخ رشد متعادل برابر با ۱/۴۱ درصد اتفاق افتاده است. در طی این دوره چهل ساله (۹۵-۱۳۵۵) سهم جمعیت استان از جمعیت کل کشور پیوسته در حال کاهش است به نحوی که در سال ۱۳۵۵ معادل ۴/۷ درصد جمعیت کشور در استان گیلان زندگی می‌کردند. در سال ۱۳۶۵ این میزان به ۴/۲ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۳/۷ درصد کاهش یافت. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵ معادل ۳/۴ درصد و در سال ۱۳۹۰ معادل ۳/۳ درصد جمعیت کشور در استان گیلان سکونت داشتند که نشانگر تداوم کاهش سهم جمعیت استان از جمعیت کشور در دهه اخیر است.

جمعیت شهری استان گیلان در سال ۱۳۵۵ معادل ۴۶۱ هزار نفر بود که با نرخ رشد متوسط سالانه ۵/۴ درصد به ۷۸۴ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسید و در طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ با نرخ رشد متوسط سالانه ۳ درصد به ۱۰۵۰ هزار نفر افزایش یافته و در سال ۱۳۸۵ این میزان به ۱۲۹۶ هزار نفر رسیده که نشانگر رشد سالانه به میزان ۲/۱ می‌باشد. در مجموع افزایش جمعیت شهری استان در دوره چهل ساله ۹۵-۱۳۵۵ با نرخ رشد ۳/۵ درصد اتفاق افتاده است. این نکته نشانگر اختلاف در نرخ رشد جمعیت روستایی و شهری است. به نحوی که در این استان وجود شکاف بین درآمدهای شهری و روستایی، اختلاف سطح زندگی و رفاه، ازدیاد فرصت‌های شغلی در شهرها، مزیت‌های نسبی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهرها سبب گسیختگی و پراکندگی توزیع فضایی جمعیت بین مراکز کوچک‌تر و بزرگ‌تر شده و نابرابری در توزیع بهینه دسترسی به امکانات و خدمات را در سطح شهرها و روستاهای استان به وجود آورده است. سهم جمعیت شهری استان از جمعیت شهری کل کشور در سال ۱۳۵۵ معادل ۲/۹۱ درصد بوده است که در سال ۱۳۶۵ به ۲/۹۲ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۲/۸۵ درصد تغییر یافته و بر اساس نتایج آخرین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۸۵ معادل ۲/۶۹ درصد و در سال ۱۳۹۰ معادل ۲/۷۹ جمعیت شهرنشین کشور در استان گیلان زندگی می‌کردند. بر اساس این اطلاعات می‌توان نتیجه‌گیری نمود که بعد از ثبات در سهم جمعیت شهری استان از جمعیت شهری کشور در دهه ۶۵-۱۳۵۵ این میزان در دو دهه ۷۵-۱۳۶۵ و ۸۵-۱۳۷۵ روند نزولی داشته و در سال ۱۳۹۵ تا حدودی افزایش داشته است.

با جمع بندی این اطلاعات می‌توان اذعان کرد که طی این دوره سی ساله (۹۵-۱۳۵۵) سهم جمعیت کل و جمعیت شهری استان از جمعیت کل و جمعیت شهری کشور در حال کاهش است. ولی روند کاهشی جمعیت کل استان دارای آهنگ سریع‌تری است. به طوری که سهم جمعیت استان از کشور از ۴/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید ولی سهم جمعیت شهری استان از کشور از ۲/۹ در سال ۱۳۵۵ به ۲/۷۹ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. در دهه ۶۵-۱۳۵۵ حدود ۳۲۳ هزار نفر و در دهه بعدی (۷۵-۱۳۵۵) تعداد ۲۶۶ هزار نفر و در دهه ۸۵-۱۳۷۵ حدود ۲۴۶ هزار نفر بر جمعیت شهرنشین استان افزوده شده است. بدین ترتیب دهه ۶۵-۱۳۵۵ در رشد جمعیت شهرنشین استان برهه ممتازی محسوب می‌شود. همچنین شهر رشت در سرشماری‌های عمومی سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب: ۴۱، ۳۷/۱، ۳۹/۸، ۴۳، ۴۲/۷ و ۴۲/۴۱ درصد جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده است که نمایانگر تسلط و تفوق جمعیتی این شهر در نظام شهری استان است. بررسی رشد جمعیت و پخشایش کانون‌های شهری در دوره زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ نمایانگر تغییر و تحولات جدی در نظام شهرنشینی استان است. افزایش تعداد کانون‌های شهری از ۱۹ نقطه شهری در سال ۱۳۵۵ به ۵۴ نقطه شهری در سال ۱۳۹۵، افزایش درصد جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی (از ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۰/۳ درصد در سال ۱۳۹۵)، افزایش

تعداد و اندازه شهرهای بزرگ و مرکز استان عمدتاً ناشی از مهاجرت‌های داخل استانی و تبدیل تعدادی از روستاهای بزرگ به نقاط شهری جدید بوده است.

تغییرات رتبه شهرهای استان گیلان

جدول (۱) جایگاه شهرهای استان گیلان را در نظام شهری استان در طی دوره ۹۵ - ۱۳۴۵ ارائه می‌دهد. بر اساس یافته‌های شکل (۱) می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

- از میان شهرهای مورد بررسی فقط جایگاه شهرهای رشت و انزلی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ ثابت مانده است. بقیه شهرها فراز و فرودهایی را در سلسله مراتب شهری پذیرا شده‌اند.

- شهر رشت به عنوان مرکز استان و شهر غالب منطقه‌ای در طی چهار دهه گذشته به عنوان شهر اول در استان مطرح بوده که همواره رتبه خود را در نظام شهری استان حفظ نموده است.

- بندرانزلی همواره به عنوان شهر دوم استان مطرح بوده و در طی این دوران نتوانسته متناسب با شهر اول رشد نماید ولی جایگاه خود را در نظام شهری استان حفظ کرده است.

- شهر لاهیجان که در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ از نظر جمعیتی به عنوان شهر سوم استان مطرح بوده در طی دهه‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ این جایگاه را به شهر لنگرود داده بود و شهر لنگرود که در حال حاضر به عنوان شهر چهارم استان است، دوباره به جایگاه خود در سال ۱۳۵۵ بازگشته است.

- در طی سال‌های ۸۵ - ۱۳۷۵ در بین ده شهر پرجمعیت استان، تغییرات در رتبه بندی شهرها چندان مشهود نیست و فقط شهرهای آستارا و صومعه سرا با آهنگ رشد جمعیت سریع‌تر جمعیت نسبت به شهرهای هم طراز خود سه رده در رتبه بندی شهرهای استان بالا آمده‌اند.

- در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ شهر ماسال به عنوان یکی دیگر از مراکز شهرستان‌های جدیدالتاسیس بالاترین افت رده را در بین شهرهای استان داشته است به نحوی که از رده یازدهم در سال ۱۳۷۵ به رده بیست و یکم در سال ۱۳۸۵ پایین آمده است و در طول این ده سال نه تنها بر جمعیت آن افزوده نشود بلکه بیش از ۴۵۰۰ نفر از جمعیت آن کاسته شده است.

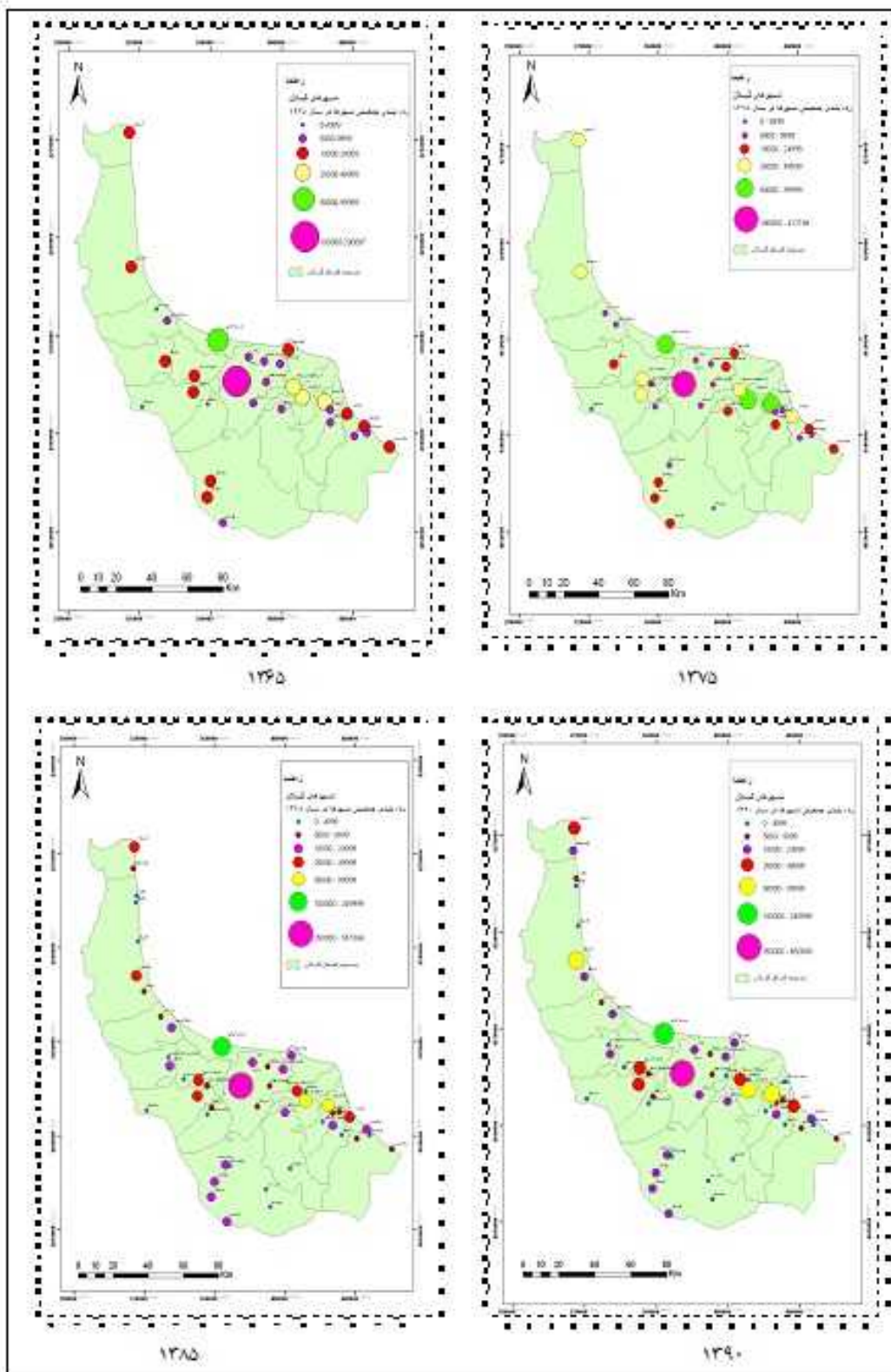
- بعد از شهر ماسال، به ترتیب شهرهای: کلاچای، چابکسر و رودسر که همگی در شرق گیلان و در شهرستان رودسر واقع شده‌اند دارای بیشترین افت در بین این ۳۵ شهر بودند.

از جمع بندی تغییرات رتبه شهرهای استان گیلان در طی دوره ۹۵-۱۳۵۵ می‌توان این موارد را ذکر نمود:

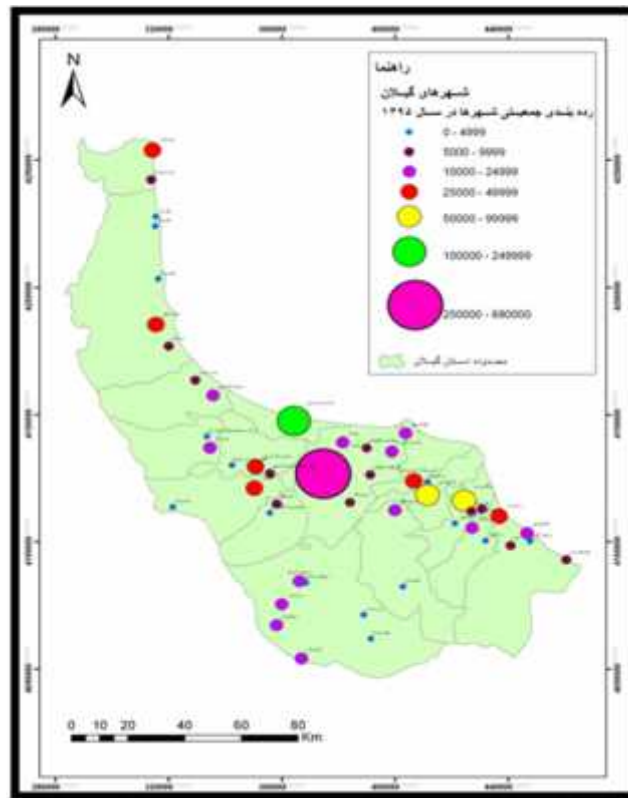
چهار شهر اول استان در سال ۱۳۵۵ موقعیت خود را در سال ۱۳۹۵ حفظ کرده‌اند. (۲) در بین ده شهر اول استان در سال ۱۳۹۵ شهر تالش دارای بالاترین جهش در طی این چهار دهه برخوردار بوده در حالی که این شهر در سال ۱۳۵۵ در رده چهاردهم در بین ۳۵ شهر مورد مطالعه قرار داشت در سال ۱۳۸۵ تا مکان پنجم بالا آمده است و در طی این سال‌ها همواره روند صعودی داشته است. (۳) بالاترین صعود در رتبه شهرهای استان در طی این دوره زمانی به ترتیب در شهرهای لوشان (۱۷ رده)، منجیل (۱۲ رده)، رستم آباد (۱۰ رده)، رضوانشهر (۱۰ رده)، و خمام (۱۰ رده) به وقوع پیوسته است. وجود سه شهر لوشان، منجیل و رستم آباد از شهرستان رودبار در این قسمت علی‌رغم وقوع زلزله مرگبار سال ۱۳۶۹ رودبار می‌تواند قابل توجه باشد. (۴) بیشترین افت رتبه در بین این شهرها در شهرهای شلمان (۱۴ رده)، واجارگاه (۱۴ رده)، ماسال (۱۰ رده)، چابکسر (۹ رده) و روبر (۹ رده) به وقوع پیوسته است و این شهرهای جایگاه خود را در نظام شهری استان از نظر جمعیتی از دست داده‌اند.

جدول ۱. تغییرات رتبه‌ای شهرهای استان گیلان (۹۵-۱۳۵۵)

شهر	سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
رشت	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
بندر انزلی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
لاهیجان	۳	۳	۴	۴	۳	۳	۳
لنگرود	۴	۴	۳	۳	۴	۴	۴
فومن	۳۰	۳۰	۲۸	۲۶	۱۰	۱۰	۱۰
رودسر	۳۱	۲۹	۳۱	۲۷	۹	۹	۹
آستانه اشرفیه	۲۹	۳۱	۲۹	۲۸	۸	۸	۸
آستارا	۲۸	۲۸	۲۷	۳۰	۶	۶	۶
صومعه سرا	۲۵	۲۶	۲۶	۲۹	۷	۷	۷
رودبار	۲۷	۲۵	۱۸	۱۷	۲۴	۲۱	۲۴
ماسال	۲۲	۲۳	۲۵	۱۵	۱۴	۱۷	۱۴
کلاچای	۲۴	۲۴	۲۱	۱۶	۲۱	۲۰	۲۱
بندر کیشهر	۲۳	۲۲	۲۲	۲۱	۱۷	۱۸	۱۷
تالش	۲۶	۲۷	۳۰	۳۱	۵	۵	۵
چابکسر	۱۷	۲۰	۱۶	۱۲	۲۶	۲۷	۲۶
املش	۱۸	۱۸	۱۸	۲۳	۱۶	۱۶	۱۶
لشت نشاء	۲۰	۱۹	۱۷	۱۴	۲۳	۲۲	۲۳
شلمان	۱۶	۱۴	۷	۴	۳۱	۳۱	۳۱
واچارگاه	۱۴	۹	۶	۳	۳۲	۳۲	۳۲
سیاهکل	۱۹	۱۶	۱۹	۲۴	۱۲	۱۱	۱۲
رحیم آباد	۱۵	۱۰	۱۱	۹	۲۲	۲۵	۲۲
کوچصفهان	۱۰	۱۳	۱۲	۱۳	۲۵	۲۴	۲۵
منجیل	۲۱	۲۱	۲۴	۲۵	۱۵	۱۲	۱۵
کومله	۱۱	۵	۴	۵	۳۰	۳۰	۳۰
خشکبیجار	۱۲	۱۱	۸	۱۰	۲۸	۲۶	۲۸
خمام	۱۳	۱۵	۱۳	۲۰	۱۱	۱۳	۱۱
رضوانشهر	۸	۱۲	۱۴	۱۹	۱۳	۱۴	۱۳
رستم آباد	۹	۷	۱۵	۱۸	۱۸	۱۹	۱۸
شفت	۵	۳	۳	۶	۲۷	۲۸	۲۷
ماسوله	۱	۱	۱	۱	۳۵	۳۵	۳۵
لوشان	۷	۱۷	۲۰	۲۲	۱۹	۱۵	۱۹
سنگر	۶	۸	۹	۷	۲۰	۲۳	۲۰
جیرنده	۳	۲	۲	۲	۳۳	۳۳	۳۳
بره سر	۲	۴	۱۰	۱۱	۳۴	۳۴	۳۴
تولم شهر	۴	۶	۵	۸	۲۹	۲۹	۲۹



شکل ۲. روند تحولات جمعیتی شهرهای استان گیلان (۹۰-۱۳۶۵)



شکل ۳. روند تحولات جمعیتی شهرهای استان گیلان (۱۳۹۵)

تحلیل و الگویابی نظام شهری استان گیلان

– توزیع اندازه شهرها در استان گیلان از طریق مدل حد اختلاف طبقه‌ای (۱۳۶۵–۹۵)

بررسی توزیع اندازه شهرها در استان گیلان از طریق مدل حد اختلاف طبقه‌ای در مقطع زمانی ۱۳۶۵–۱۳۹۵ به کمک این مدل، طبقه بندی شهرهای منطقه مورد مطالعه بر مبنای آمار سرشماری سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ و با استفاده از مقدار جمعیتی آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در اجرای این روش انجام مراحل چون تعیین دامنه نوسان بیشترین و کمترین تعداد جمعیت شهرها، تعیین تعداد طبقات، تعیین میزان حد اختلاف طبقه‌ای و تشکیل ماتریس و تقسیم بندی شهرها لازم می‌باشد که نتایج آن به ترتیب زیر و در جدول (۲) مشاهده می‌گردد و در نهایت دیاگرام توزیع نسبی جمعیت این شهرها بر حسب گروه‌های جمعیتی در سال‌های مذکور ترسیم می‌گردد.

الف) طبقه بندی شهرهای استان گیلان مطابق روش حد اختلاف طبقه‌ای (۱۳۶۵):

R = کمترین جمعیت – بیشترین جمعیت

– دامنه نوسان جمعیتی شهرها:

$$R = 290897 - 1132 = 289765$$

– تعیین تعداد طبقات:

$$K = 1 + 3/31 \log 31 = 5/9 \cong 6$$

– تعیین میزان حد اختلاف طبقه‌ای:

$$H = \frac{289765}{6} = 48294$$

ب) طبقه بندی شهرهای استان گیلان مطابق روش حد اختلاف طبقه‌ای (۱۳۷۵):

$$R = 417748 - 663 = 417085$$

$$K = 1 + 3/3 \log 35 = 6/1 \cong 6$$

$$H = \frac{417085}{6} = 69514$$

ج) طبقه بندی شهرهای استان گیلان مطابق روش حد اختلاف طبقه‌ای (۱۳۸۵):

- دامنه نوسان جمعیتی شهرها:

$$R = 557366 - 559 = 556807$$

- تعیین تعداد طبقات:

$$K = 1 + 3/3 \log 49 = 6/6 \cong 7$$

- تعیین میزان حد اختلاف طبقه‌ای:

$$H = \frac{556807}{7} = 79543/9 \cong 79544$$

د) طبقه بندی شهرهای استان گیلان مطابق روش حد اختلاف طبقه‌ای (۱۳۹۰):

- دامنه نوسان جمعیتی شهرها:

$$R = 639951 - 568 = 639383$$

- تعیین تعداد طبقات:

$$K = 1 + 3/3 \log 51 = 6/6 \cong 7$$

- تعیین میزان حد اختلاف طبقه‌ای:

$$H = \frac{639383}{7} = 91340$$

د) طبقه بندی شهرهای استان گیلان مطابق روش حد اختلاف طبقه‌ای (۱۳۹۵):

- دامنه نوسان جمعیتی شهرها:

$$R = 679995 - 393 = 679602$$

- تعیین تعداد طبقات:

$$K = 1 + 3/3 \log 54 = 6/7 \cong 7$$

- تعیین میزان حد اختلاف طبقه‌ای:

$$H = \frac{679602}{7} = 97086$$

جدول ۲. طبقه بندی شهرهای استان گیلان با استفاده از مدل حد اختلاف طبقه‌ای (۹۵-۱۳۶۵)

سال ۱۳۶۵					ردیف
اسامی شهرها	درصد جمعیت	جمعیت	تعداد شهرها	گروه‌های جمعیتی شهرها	
رشت	۳۷/۰۹	۲۹۰۸۹۷	۱	۲۹۰۸۹۷-۲۲۶۶۰۲	۱
-	-	-	-	۲۲۶۶۰۲-۱۹۳۳۰۸	۲
-	-	-	-	۱۹۳۳۰۸-۱۴۶۰۱۴	۳
-	-	-	-	۱۴۶۰۱۴-۹۷۷۲۰	۴
بندر انزلی	۱۱/۱۰	۸۷۰۶۳	۱	۹۷۷۲۰-۴۹۴۳۶	۵
سایر شهرها	۵۱/۸۱	۴۰۶۲۱۳	۲۹	۴۹۴۳۶-۱۱۱۳	۶
-	۱۰۰	۷۸۴۱۷۳	۳۱	-	مجموع
سال ۱۳۷۵					ردیف
اسامی شهرها	درصد جمعیت	جمعیت	تعداد شهرها	گروه‌های جمعیتی شهرها	
رشت	۳۹/۸۹	۴۱۷۷۴۸	۱	۴۱۷۷۴۸-۳۴۸۱۳۳	۱
-	-	-	-	۳۴۸۱۳۳-۲۸۸۷۱۹	۲
-	-	-	-	۲۸۸۷۱۹-۲۰۹۲۰۵	۳
-	-	-	-	۲۰۹۲۰۵-۱۳۹۶۹۱	۴
بندر انزلی	۹/۳۹	۹۸۵۴۴	۱	۱۳۹۶۹۱-۷۰۱۷۷	۵
سایر شهرها	۵۰/۸۲	۵۳۳۶۸۱	۳۳	۷۰۱۷۷-۶۶۳	۶
-	۱۰۰	۱۰۴۹۹۸۰	۳۵	-	مجموع
سال ۱۳۸۵					ردیف
اسامی شهرها	درصد جمعیت	جمعیت	تعداد شهرها	گروه‌های جمعیتی شهرها	
رشت	۴۳/۰۲	۵۵۷۳۶۶	۱	۵۵۷۳۶۶-۴۷۸۱۳۳	۱
-	-	-	-	۴۷۸۱۳۳-۳۹۸۱۳۹	۲
-	-	-	-	۳۹۸۱۳۹-۳۱۸۷۲۵	۳
-	-	-	-	۳۱۸۷۲۵-۲۳۹۱۹۱	۴
-	-	-	-	۲۳۹۱۹۱-۱۵۹۶۶۷	۵
بندر انزلی	۸/۵۴	۱۱۰۶۳۳	۱	۱۵۹۶۶۷-۸۰۱۰۳	۶
سایر شهرها	۴۸/۴۴	۶۲۷۷۴۲	۴۷	۸۰۱۰۳-۵۵۹	۷
-	۱۰۰	۱۳۹۵۷۵۱	۴۹	-	مجموع
سال ۱۳۹۰					ردیف
اسامی شهرها	درصد جمعیت	جمعیت	تعداد شهرها	گروه‌های جمعیتی شهرها	
رشت	۴۳/۸۴	۶۹۹۹۵۱	۱	۶۹۹۹۵۱-۵۴۸۶۱۱	۱
-	-	-	-	۵۴۸۶۱۱-۴۵۷۲۷۱	۲
-	-	-	-	۴۵۷۲۷۱-۳۶۵۹۳۱	۳
-	-	-	-	۳۶۵۹۳۱-۲۶۴۵۹۱	۴
-	-	-	-	۲۶۴۵۹۱-۱۸۱۳۴۸	۵
بندر انزلی - لاهیجان	۱۴/۰۷	۳۱۰۷۱۴	۲	۱۸۱۳۴۸-۹۱۹۰۸	۶
سایر شهرها	۴۳/۱۹	۶۶۶۵۰۶	۴۸	۹۱۹۰۸-۵۶۱	۷
-	۱۰۰	۱۴۹۷۱۷۰	۵۱	-	مجموع
سال ۱۳۹۵					ردیف
اسامی شهرها	درصد جمعیت	جمعیت	تعداد شهرها	گروه‌های جمعیتی شهرها	
رشت	۴۳/۴۱	۶۹۹۹۹۵	۱	۶۹۹۹۹۵-۵۸۱۹۰۹	۱
-	-	-	-	۵۸۱۹۰۹-۴۸۵۸۱۳	۲
-	-	-	-	۴۸۵۸۱۳-۳۸۱۷۲۷	۳
-	-	-	-	۳۸۱۷۲۷-۲۹۱۶۵۱	۴
-	-	-	-	۲۹۱۶۵۱-۱۹۴۵۶۵	۵
بندر انزلی - لاهیجان	۱۳/۷۰	۳۱۹۶۲۷	۲	۱۹۴۵۶۵-۹۱۳۶۹	۶
سایر شهرها	۴۳/۸۹	۷۰۳۳۹۴	۵۱	۹۱۳۶۹-۳۹۳	۷
-	۱۰۰	۱۶۰۳۰۲۶	۵۴	-	مجموع

بر اساس نتایج بررسی توزیع اندازه شهرها در منطقه مطالعاتی از طریق مدل حد اختلاف طبقه‌ای می‌توان به عدم توازن در طبقات شهری این استان پی برد. توزیع جمعیت در مدل مذکور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۵، شهر رشت به عنوان مرکز مادر شهری به تنهایی ۳۷/۰۹ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده است حال آنکه شهرهای کوچک منطقه ۵۱/۸۱ درصد از این جمعیت را در خود جای داده‌اند. این روند همچنان در طی سه دهه ادامه یافته تا اینکه در سال ۱۳۹۵، شهر رشت با قرار گرفتن در گروه جمعیتی ۵۰۰ هزار نفر به بالا، به عنوان مادر شهر منطقه‌ای ظاهر می‌شود که در مقیاس استان گیلان، به تنهایی ۴۲/۴۱ درصد از جمعیت شهری این محدوده را در بر می‌گیرد. در صورتی که شهرهای کوچک استان ۴۳/۸۹ درصد از این جمعیت را در این سال شامل می‌گردد.

– الگوی نخست شهری

یکی از طرق محاسبه شاخص نخست شهری در میان سلسله مراتب شهرها از طریق تقسیم نمودن جمعیت نخست شهر به جمعیت دومین شهر منطقه بدست می‌آید. براین اساس شاخص نخست شهری در استان گیلان در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب معادل: ۳/۴۱، ۳/۳۴، ۴/۲۴ و ۵/۰۴ بود. مقدار این شاخص در سال ۱۳۹۰ به ۵/۴۸ رسیده است. بر این اساس مقدار این شاخص به غیر از سال ۱۳۶۵ همواره در حال افزایش است. شاخص‌های مذکور برای کشور در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب: ۶/۷۸، ۴/۱۲، ۳/۵۸، ۳/۲۱، ۲/۹۶ و است. به این ترتیب بر خلاف روند قابل مشاهده در استان، شاخص نخست شهر کشور در طی دهه‌های اخیر همواره در حال کاهش است. مقایسه شاخص‌های بدست آمده بیانگر اختلاف جمعیتی اولین شهر استان (رشت) و دومین شهر (انزلی برای کلیه دوره‌ها) می‌باشد که بیانگر عدم پیش بینی شهرهای پشتیبان در سلسله مراتب شهری استان گیلان است.

جدول ۵. شاخص نخست شهری در شبکه شهری استان گیلان و مقایسه آن با کل کشور در دوره زمانی (۹۵-۱۳۵۵)

سال	استان گیلان			کشور	
	جمعیت شهر اول	جمعیت شهر دوم	شاخص	جمعیت شهر اول	جمعیت شهر دوم
۱۳۵۵	۱۸۸۹۵۷	۵۵۴۸۱	۳/۴۱	۴۵۳۰۲۲۳	۶۶۷۷۷۰
۱۳۶۵	۲۹۰۸۹۷	۸۷۰۶۳	۳/۳۴	۶۰۴۲۵۸۴	۱۴۶۳۵۰۸
۱۳۷۵	۴۱۷۷۴۸	۹۸۵۴۴	۴/۲۴	۶۷۵۸۸۴۵	۱۸۸۷۴۰۵
۱۳۸۵	۵۵۷۳۶۶	۱۱۰۶۴۳	۵/۰۴	۷۷۹۷۵۲۰	۲۴۲۷۳۱۶
۱۳۹۰	۶۳۹۹۵۱	۱۱۶۶۶۴	۵/۴۸	۸۱۵۱۵۰۱	۲۷۴۶۸۷۱
۱۳۹۵	۶۷۹۹۹۵	۱۱۸۵۶۴	۵/۷۳	۸۷۳۷۵۱۰	۳۳۷۲۶۶۰

Source: Statistics Center of Iran, 1976-2016

با توجه به ارقام فوق هرچند شاخص نخست شهری در کل کشور در دوره‌های سرشماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ بالاتر از استان گیلان قرار دارد ولی این میزان این شاخص در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ در استان گیلان بالاتر از متوسط کشور است. جهت تبیین بهتر الگوی نخست شهری استان می‌توان از روش ترسیم منحنی‌های نخست شهری براساس قاعده مرتبه - اندازه استفاده نمود. بدین ترتیب منحنی نخست شهری در ابتدا دارای شیب بسیار تند و در انتهای دارای شیب بسیار ملایم می‌باشد.

– **سال ۱۳۵۵:** در این سال شاخص نخست شهر استان ۳/۴۱ است و بیش از ۴۱ درصد جمعیت شهری استان در شهر رشت ساکن بودند به غیر از شهرهای رشت، بندرانزلی، لاهیجان و لنگرود بقیه شهرهای استان دارای جمعیت کمتر از ۲۵ هزار نفر هستند.

– **سال ۱۳۶۵:** در این سال شاخص نخست شهر استان ۳/۳۴ است و بیش از ۳۷ درصد جمعیت شهری استان در شهر رشت ساکن بودند در این دوره افزایش تعداد شهرهای استان از ۱۹ به ۳۱ شهر به دلیل افزایش تعداد شهرهای کوچک ناشی از تبدیل برخی از نقاط روستایی به نقاط شهری بوده است. این دوره نمونه بارز روند شتابان شهرگرایی و افزایش شدید مهاجرت‌های روستایی و تخلیه روستاهای استان است که باعث افزایش جمعیت روستاهای حاشیه شهرها و تبدیل آن‌ها به نقاط شهری شده است.

- **سال ۱۳۷۵:** در این سال شاخص نخست شهر استان به $۴/۲۴$ ارتقاء یافت و حدود ۴۰ درصد جمعیت شهری استان در شهر رشت ساکن بودند. آمارهای این دوره زمانی مؤید تداوم رشد نقاط شهری است به طوری که تعداد نقاط شهری از ۳۱ نقطه در سال ۱۳۶۵ به ۳۵ نقطه در سال ۱۳۷۵ رسید. در سطح کشور طی دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ این شاخص کاهش قابل توجهی را نسبت به دوره قبل نشان می‌دهد به طوری که شاخص نخست شهری کشور در سال ۱۳۶۵ معادل $۴/۱۲$ بوده و در سال ۱۳۷۵ این شاخص به $۳/۵۸$ کاهش یافته است. در حالی که این وضعیت در استان گیلان کاملاً برعکس است و شاخص مذکور از $۳/۳۴$ به $۴/۲۴$ افزایش یافته است. این وضعیت نمایانگر تبعیت شدید نظام شهری استان از الگوی نخست شهری و افزایش عدم تعادل‌ها در توزیع جمعیت کانون‌های شهری است.

- **سال ۱۳۸۵:** در این سال شاخص نخست شهر استان به $۵/۰۴$ ارتقاء یافت و بیش از ۴۳ درصد جمعیت شهری استان در شهر رشت ساکن بودند. آمارهای این دوره زمانی مؤید تداوم رشد نقاط شهری است به طوری که تعداد نقاط شهری از ۳۵ نقطه در سال ۱۳۷۵ به ۴۹ نقطه در سال ۱۳۸۵ رسید. مشخصه بارز این دوره اضافه شدن ۱۴ نقطه به مجموع نقاط شهری استان به دلیل تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری است.

- **سال ۱۳۹۵:** در این سال شاخص نخست شهر استان به $۵/۷۳$ ارتقاء یافت و بیش از $۴۲/۴۱$ درصد جمعیت شهری استان در شهر رشت ساکن بودند. آمارهای این دوره زمانی مؤید تداوم رشد نقاط شهری است به طوری که تعداد نقاط شهری از ۴۹ نقطه در سال ۱۳۸۵ به ۵۴ نقطه در سال ۱۳۹۵ رسید. مشخصه بارز این دوره اضافه شدن ۵ نقطه به مجموع نقاط شهری استان به دلیل تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری است.

جمع بندی روند تغییرات مقدار شاخص نخست شهر در کشور و استان بیانگر این موضوع است که در سطح کشور طی دوره ۹۵-۱۳۶۵ این شاخص همواره دارای روند کاهشی است. به طوری که شاخص نخست شهری کشور در سال ۱۳۶۵ معادل $۴/۱۲$ بوده و در سال ۱۳۷۵ این شاخص به $۳/۵۸$ و در سال ۱۳۸۵ به $۳/۲۱$ کاهش یافته و ادامه این وضعیت را در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ شاهد بودیم که مقدار این شاخص به $۲/۹۶$ و $۲/۵۹$ رسیده است. در حالی که این وضعیت در استان گیلان کاملاً برعکس است و طی دهه‌های اخیر همواره مقدار این شاخص روند صعودی داشته است این شاخص در سال ۱۳۶۵ معادل $۳/۳۴$ بوده که در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب به: $۴/۲۴$ ، $۵/۰۴$ ، $۵/۴۸$ و $۵/۷۳$ افزایش یافته است. این وضعیت نمایانگر تبعیت شدید نظام شهری استان از الگوی نخست شهری و افزایش عدم تعادل‌ها در توزیع جمعیت کانون‌های شهری است.

تحلیل منحنی‌های نخست شهری در دهه‌های اخیر مبین انطباق سیستم شهری استان گیلان با الگوی نخست شهری است. در کلیه دوره‌های مورد بررسی شهر رشت در بالاترین رتبه جمعیتی و شهرانزلی با فاصله زیاد در مرتبه بعدی و بقیه شهرها در رده‌های پایین‌تر بوده‌اند این وضعیت تقریباً یک همبستگی خطی را نشان می‌دهد و شهرهای کوچک (روستا - شهرها) به عنوان آخرین حد دامنه منحنی‌ها بارز شده‌اند. منحنی‌های نخست شهری در کلیه دوره‌های آماری ابتدا دارای شیب تند و در انتها دارای شیب بسیار ملایم می‌باشد و شهر رشت همواره موقعیت خود را حفظ نموده است. همچنین به دلیل افزایش اندازه جمعیتی شهرها، منحنی‌های این مقاطع به ترتیب در حد بالاتری قرار گرفته‌اند.

- شاخص چهار شهر

یکی دیگر از الگوهای بررسی نظام‌های شهری استفاده از الگوی چهار شهر است که بر اساس آن بهترین روش برای تشخیص نخست شهری، محاسبه نسبت اندازه شهر نخست به چهار شهر اول نظام شهری است. با محاسبه این شاخص برای استان گیلان در چهار دوره سرشماری (۹۵-۱۳۵۵) این نتایج به دست می‌آید.

جدول ۶. درجه نخست شهری در نظام شهری گیلان بر پایه شاخص چهار شهر

سال	شاخص چهار شهر	نوع برتری شهری
۱۳۵۵	۰/۶۱۹	برتری
۱۳۶۵	۰/۶۲۲	برتری
۱۳۷۵	۰/۶۶۷	فوق برتری
۱۳۸۵	۰/۶۹۱	فوق برتری
۱۳۹۰	۰/۶۹۲	فوق برتری
۱۳۹۵	۰/۶۹۴	فوق برتری

با توجه به محاسبات مذکور در جدول فوق، شهر رشت در استان گیلان به عنوان نخست شهر در هر چهار دوره با بیشترین جمعیت با درجه برتری به نظام شهری استان حاکم بوده است و شدت نخست شهری از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ با روند افزایشی روبه رو است.

نتیجه‌گیری

سلسله مراتب شهری بهترین شکل سازماندهی فضا است. وجود سلسله مراتب شهری منظم سبب توزیع کالاها و خدمات به تمام جامعه و توزیع متعادل امکانات و خدمات رسانی به تمامی بخش‌های یک منطقه می‌گردد. بررسی سلسله مراتب شهری استان گیلان بیانگر آن است که اکثر شهرهای این استان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ از رشد جمعیتی برخوردار بودند. در این ارتباط شهر رشت به علت زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سبب جذب مهاجرین به این شهر شده و سلسله مراتب شهری استان را از توزیع متعادل (مرتبه - اندازه) دور کرده است. ولی در مجموع سلسله مراتب شهری گیلان در نظام شهری استان نامتعادل است. در دهه‌های گذشته علی‌رغم رشد مناسب شهرهای انزلی، لاهیجان و لنگرود به عنوان شهرهای میانی استان، بر اثر تمرکز سرمایه و تراکم منابع و امکانات در مرکز استان، شبکه شهری استان در جهت تمرکزگرایی و تسلط تک شهری هدایت شده است و تفاوت فاحش کمی و کیفی و عملکردی بین شهر رشت با شهرهای متوسط و کوچک استان بیش از پیش ظاهر شده است و سلسله مراتب شهری استان به سوی عدم تعادل بیشتر گرایش داشته است. بنابراین تنها با ارایه مکانیسم ایجاد فرصت برابر برای همه شهرهای استان و ارایه خدمات به آنها می‌توان یک سلسله مراتب فضایی بهینه را در استان پدید آورد. در غیر این صورت بیم آن می‌رود در آینده رشد بیش از حد شهر رشت و سبب شکستگی بیشتر نظام شهری و شبکه شهری استان گردید. با توجه به مباحث مطرح شده برای متعادل سازی شبکه شهری استان می‌بایست از مجموعه‌ای از روش‌ها، همچون استراتژی عدم تمرکز، مدیریت کارساز مرکز استان، توسعه و گسترش شهرهای متوسط، کوچک و روستا شهرها، توزیع و باز توزیع فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و توسعه و برنامه‌ریزی روستایی سود برد و به بررسی مسأله و انطباق این روش‌های در سطوح منطقه‌ای و استانی اقدام نمود. راهبردهای توسعه شهری زیر برای حفظ تعادل نظام سلسله مراتب شهری استان گیلان توصیه می‌شود:

- به منظور ایجاد تعادل در توزیع فضایی جمعیت استان ضروری است سرریزهای جمعیت ناحیه مرکزی به نواحی با تراکم پایین‌تر شرقی و غربی استان هدایت شوند.
- با ایجاد زمینه‌های اشتغال در شهرهای متوسط و کوچک نسبت به جذب سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ و نقاط روستایی اقدام شود و با هدایت امکانات و سرمایه‌ها به مناطق کمتر توسعه یافته، از افزایش تراکم جمعیتی در اراضی حاصلخیز جلگه‌ای استان جلوگیری شود.
- به منظور تقویت شهرهای متوسط استان و در راستای تحقق عملکردهای متقابل و اقتصادی بین نواحی پیرامونی ضروری است که فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی شهرهای بندرانزلی، لاهیجان، لنگرود و تالش با بار جمعیتی بین ۱۰۰-۴۰۰ هزار نفر جمعیت تقویت و تجهیز گردند تا به عنوان مراکز ناحیه‌ای با عملکردهای شهرستانی و فرا شهرستانی باعث کاستن از بار جمعیتی شهر رشت و هدایت مزاددهای جمعیتی از سکونتگاه‌های مجاور به این مراکز شوند.
- همچنین با تقویت مراکز شهرستان‌های متوسط در ساختار شهری استان و افزایش توان‌های خدماتی این شهرها با جمعیت متعادل ۵۰-۱۵۰ هزار نفر به صورتی عمل شود که منحنی متوسط سوددهی جمعیت شهری با منحنی متوسط هزینه برابر شود. برای تحقق

این هدف پیشنهاد می‌شود که این مراکز با توجه به امکانات بخشهای مختلف، خصوصاً استقرار فعالیت‌های اشتغالزا قابلیت رشد پیدا کنند. در این رابطه شهرهایی که در جوار آنها ایجاد شهرک‌های صنعتی مدنظر است از امتیاز بیشتری برخوردار خواهند بود.

- به منظور نظم بخشی به شبکه شهری نواحی کوهستانی و ساماندهی روستاهای آن و تجمیع آنان ضروری است ابتداء کانون‌های روستایی در قسمت کوهستانی استان شناسایی شوند و با تقویت روستاهایی که دارای پتانسیل توسعه قوی‌تر بوده و در حاشیه محوره‌های ارتباطی قرار گرفته‌اند، در تبدیل این روستاها به روستا - شهرها اقدامات لازم صورت پذیرد.

- برآیند مطالعات فوق بیانگر اصلاح ساختار از پایین به بالا و از بالا به پایین در توسعه کالبدی استان است. لذا سطح‌بندی سکونتگاه‌های استان گیلان باید از حوزه‌های روستایی، مجموعه‌ها و منظومه‌ها در غالب مکان‌های مرکزی و شهرهای متوسط و میانی و یک شهر بزرگ آرایش مجدد فضایی یابند.

References

- Abedin, D. S. (2002). *Urban Economics Study*. Tehran: Academic Center Press.
- Azimi A. J. (2009). *Terms and Concepts of Urban Sciences* (1st ed.). Noor: Islamic Azad University.
- Azimi, N. (2002). *Urbanization Exploration and Principles of the Urban System*. Tehran: Nika Press.
- Behforooz, F. (1992). Theoretical - Empirical Analysis for the Spatial Distribution of Population in the Iran Urban System. *Geographical Research Quarterly*, 28, 7-86. Geography Institute, Tehran University.
- Behforooz, F. (1995). *Prevailing Fields in Human Geography* (1st ed.). Tehran: Tehran University Press.
- Clark, D. (2000). *Urban world, Global city*. London: Rutledge.
- Clarke, J. A. (1988). The role of the state in regional development, chapter 6 in Flowerdew, R. (ed), *Institutions and Geographical patterns*, Beckenham: Croom helm
- Farhoudi, R., Zanganeh, S. S., & Sa'ed, M. R. (2009). How to Distribute Population Spatially in Iran Urban System during years 1956 to 2006. *Human Geography Research Quarterly*, 41(68), 55-68.
- Farid, Y. (1996). *Geography and Urban Study*. Tabriz: Tabriz University Press.
- Ghalibafan, S. H., & Mekaniki, J. (2000). On the Analysis of Urban Hierarchy in Khorasan Province. *Population Quarterly*, No. 37.
- Ghazani, M., & Mousavi M. N (2009). Critique on Urban Settlement Indexes and Providing New Indexes (With Analytical View on Urban Indexes of Iran). *Quarterly of Geography and Environmental Studies*, 1(1), (1st ed.), 25-34.
- Haggett, P. (1972). *Geography, Modern Synthesis*. Bristol University.
- Hekmatnia, H., & Mousavi, M. (2006). *Application Model in Geography with Emphasis on Urban and Regional Planning*. Elm-e-Novin Press.
- King, L. J., & Golledge, R. G. (1978). *Cities, space, and behavior: The elements of urban geography*, Englewood Cliffs, N.J: Prentice-Hall.
- Linsky, A. S. (1969). Some Generalizations Concerning Primate Cities, *Annals of the Association of American Geographers*.
- Management and planning organization of guilan, 2016.
- Molaei, H. N., & Poorrمدان, I. (2011). On the Analysis of the Balancing the Pattern of Urban Systems in Roodbar County Using the rank-size rule Model. *Proceedings of the First Regional Conference on Sustainable Development in Roodbar County*, p. 61. Roodbar: Islamic Azad University.
- Naziani, A. (2000). *Urban Geography of Iran*. Tehran: Payam-e-Noor University Press.
- Shakour, A., & Shokri, R. (2006). Effect of Natural Factors on the Economic and Social Status in Lar City in the Urban Hierarchy of Fars Province. Chap 1, *Geographical Outlook Quarterly*, 1(2).
- Shokoye, H. (2006). *A New View on Urban Geography*. Tehran: Samt Press.

- Statistics Center of Iran. (1966). *General Population and Housing Census of Guilan Province*.
- Statistics Center of Iran. (1976). *General Population and Housing Census of Guilan Province*.
- Statistics Center of Iran. (1986). *General Population and Housing Census of Guilan Province*.
- Statistics Center of Iran. (1996). *General Population and Housing Census of Guilan Province*.
- Statistics Center of Iran. (2006). *General Population and Housing Census of Guilan Province*.
- Statistics Center of Iran. (2011). *General Population and Housing Census of Guilan Province*.
- Statistics Center of Iran. (2016). *General Population and Housing Census of Guilan Province*.
- Zariyy, K. (2003). *Schools, Theories, Program Models and Regional Planning*. Yazd University Press.
- Zariyy, K., & Mousavi, M. N. (2005). On the Analysis of Urban Hierarchy in West Azerbaijan Province. *Research Journal of Isfahan University (Humanities)*, 18 (1), 75-89.

How to cite this article:

Pourrmezan, E., Darvish-Rahimabadi, E. (2018). On the Analysis of Urban Hierarchy and Balancing the Spatial Distribution of Urban Centers Population in Guilan Province. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 12 (4), 875-893. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_538154_en.html

On the Analysis of Urban Hierarchy and Balancing the Spatial Distribution of Urban Centers Population in Guilan Province

Eisa Pourrmezan*

Assistant Professor, Department of Geography, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran

Ebrahim Darvish-Rahimabadi

M.A., Urban & Regional Designing & Planning, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran

Received: 12/03/2016

Accepted: 16/11/2018

Extended Abstract

Introduction

The population of cities is widely distributed among different settlements with different sizes and patterns in different regions. These completely different patterns more clearly illustrate the areas where the growth of cities occurs unplanned and with unequal policies. In this process, usually, the largest cities have the fastest growth rates, which will result in the city's demographic, economic, social and political mastery of one city on all other cities within the urban system of a country or region. The growing trend of urbanization in recent decades, along with the severe migration of the village - city, has been accompanied by economic, social and political developments is one of the most important factors in creating the unbalanced model of the urban system of Guilan province. The tendency towards urbanization in Guilan province follows the process of governing the whole country and it always has an ascending trend during the recent decades so that in the year 1966, only 24.9% of the province population was inhabited in cities. However, according to the results of the census in 2006, 53.9% of the province population was inhabited in urban areas. Now, it seems currently having 51 cities, Guilan province to be witness as well as increasing the share of urban population over the next decades. Among the cities of Guilan, Rasht city has attracted the population of the surrounding areas to the city as the center of province or regional metropolis. In fact, Rasht city acts as a dominant city in Guilan region. Based on this matter, since the aim of any regional planning is to achieve balanced development, the present study intends to use a stratified difference model, urban primary model and four city index to analyze the hierarchy of Guilan province cities, based on population statistics of 1966-2016. So, the results of this study can be the basis for decisions making and presenting strategies and plans for balancing the distribution of urban centers population in Guilan province.

Methodology

Considering the topic of research and definition of urban hierarchy, the research methodology in this paper is quantitative - analytical study. In order to determine the urban hierarchy based on population variability, different models such as stratified difference solution model, the rank-size rule, Lorenz curve, Gini density coefficient, primate city pattern and four city model can be used. In this study, by referring to the results of population censuses conducted during the years 1966-2016, the required statistics were extracted and then analyzed using the models of Stratified

* Corresponding Author:

Email: pourramzan@iaurasht.ac.ir

Resolution Model, and four city index, the urban hierarchy of Guilan province has been analyzed. Due to the fact that maps, charts and tables have been used in some parts of this research, Excel and GIS software were used to edit them.

Result and Discussion

Investigating the process of population settlement developments in the province indicates decreasing and increasing in the share of rural population and also, in the proportion of urban population to the total population of the province, respectively. To clarify this issue, changes in total population, urban population and rural population of the province were investigated during a 30 year period of 1976-2016. The urban population of Guilan province was 461 thousand persons in 1976 which reached to 784 thousand persons in 1986 with average annual growth rate 4.5%. During the years 1986-1996 with average annual growth rate 3% the rate increased to 1050 persons and in 2006, the rate increased to 1296 persons which represents an annual growth 2.1. In total, the urban population growth in the province during a 30 year period of 1976-2016 occurred with growth rate 3.5%.

Studying the urban hierarchy of Guilan province during the years 1976-2011, it was determined that Rasht city as the center of Guilan province and metropolitan area with 42.41% of the urban population of the province has shown its dominant role in the form of the "primate city" and now, all of the indexes including: geographical, social, economic, political, cultural, etc. are to the benefits of this city and to the detriment of its small biological centers. In addition, population concentration has led to many social and cultural problems, such as housing problems, high price of land, the cost of renting a home, traffic congestion, service failures and, finally, a wide range of environmental pollution. Due to its suitable political, economic and cultural backgrounds, this city has attracted various migrants from its surrounding areas and has removed the urban hierarchy of the province from the rank-size rule. In such a way that in 1976, the population of the first city (Rasht) was 3.41 times the second city (Anzali). In 2016, the population of Rasht city was 5.73 times the second city (Anzali). Given the changes in population and the ranking of cities in the province in recent years and its effects on the unbalanced system of urban centers development, centralization and single city dominance in the urban system of the province are necessary to take measures to organize the spatial urban centers and the balanced geographical distribution of the population in proportion to the facilities and the relative limitations and relative advantages of each region, and according to the land-planning policies and the development of spatial development of its urban centers. Centralization of the city and region of Rasht and paying attention to the small and medium cities of the province are the most important approaches of this research.

Conclusion

The study of the urban hierarchy of Guilan province indicates that most of the cities of this province enjoyed population growth during the years 1976 to 2016. In this regard, Rasht city has attracted immigrants to the city due to political, economic and cultural backgrounds and has removed the urban hierarchy of the province from balanced distribution (the rank-size). However, in general, the urban hierarchy of Guilan is unbalanced in the urban system of the province. In recent decades despite the growth of Anzali, Lahijan and Langrood cities as the middle cities of the province, due to the concentration of capital and the density of resources and facilities in the center of the province, the urban network of the province has been guided to centralized and single-city domination, and the significant quantitative and qualitative and functional difference between Rasht city and the small and medium cities of the province has been appeared more than ever. So, the urban hierarchy of the province has tended more toward imbalance.

Therefore, it is only possible to create an optimal spatial hierarchy in the province by providing a mechanism for creating equal opportunity for all the cities of the province and providing services to them. Otherwise, it is feared that in the future, cause the overgrowth of Rasht city

and cause a greater fracture of the urban system and the urban network of the province. Considering the issues raised to balance the urban network of the province, it is necessary to take benefit of a set of methods, such as decentralization strategy, the effective management of the province center, development and expansion of medium and small cities and village-cities, distribution and re-distribution of economic and industrial activities and rural development and planning, and to study the problem and adaptation of these methods at the regional and provincial levels.

Keywords: Urban System, Spatial Distribution of Population, Urban Hierarchy, Population Balancing, Guilan Province